

What is Western civilization in Imam Musa Sadr's opinion

Sharif Lakzaei *

Received on: 27/01/2023

Accepted on: 08/07/2023

Abstract

Purpose: The main purpose of this article is to present Imam Musa Sadr's view on what Western civilization is and its characteristics. This issue has not been discussed in Sadr's opinion so far, and therefore the topics of the article and the arguments raised in this field are completely new and can be read in the framework of Sadr's civilizational theory.

Methodology: Sadr's look at Western civilization is a deep look based on knowledge and according to the ideas and existing realities. From the author's point of view, Sadr considers the only civilization that can compete with Islamic civilization to be Western civilization, and for this reason, he has criticized and evaluated this civilization in various cases, and in order to explain his view on Islamic civilization, he has distinguished the current and dominant civilization. The West has important criticisms. Therefore, in the present article, we will discuss some of these criticisms with the method of theme analysis, which are very important in understanding the western civilization.

Findings: An important point that can be presented as a finding of the article is that because the Islamic world does not repeat the way of the West and learns from its harms, it should get to know the civilization of the West. From Sadr's point of view, Western civilization is a declining civilization, according to Sadr's intellectual and philosophical view of this civilization, but the West is trying to continue its life with various means. One of these tools is the imposition of wars and conflicts all over the world, especially in the Middle East

* Associate Professor, Department of Political Philosophy, Research Institute of Political Science and Thought, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.
(Corresponding Author).

sharif@isca.ac.ir

 0000-0002-8122-5900



region, where most of the energy resources lie. The West wants to continue to dominate the energy resources in the Middle East region. From Sadr's point of view, the existence of Israel in the region and its support by the Western world as the result of Western civilization and the main defender of Western interests in the West Asian region can be justified under the political philosophy of Western civilization. Therefore, supporting this regime is a form of supporting the principle of Western civilization. In fact, Israel is a mirror of the whole view of Western civilization and it shows the West's pretentious face well.

Conclusion: It became clear from the brief discussions that Imam Musa Sadr has serious and deep discussions about Western civilization. What stands out among these topics is his critical approach to Western civilization. This critical view is more focused on the intellectual, philosophical, religious and moral foundations than the appearances and superstructures of such a civilization. From Sadr's point of view, these civilization indicators are associated more clearly in issues such as the colonization of other nations and the tragedies that have befallen other nations. Therefore, the consequences of Western civilization are so great in Sadr's opinion that Muslim nations should not neglect these consequences for a moment. An example of the consequences of Western civilization can be seen in the establishment and domination of the Zionist regime in the heart of the Middle East. Racial discrimination, confusion and aimlessness, the emergence of colorful dictators in the region, the determination of the boundaries and territory of thinking and the creation of Israel, as a product and result of Western civilization, are only part of the consequences of Western civilization that have affected many countries. This is why Israel becomes absolute evil and absolute falsehood.

Keyword: Civilization, western civilization, materiality, ethics, religion, Imam Musa Sadr.

چیستی تمدن غرب در آرای امام موسی صدر^۱

شریف لکزایی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

چکیده

پرسش مقاله حاضر این است که نحوه مواجهه امام موسی صدر با تمدن غرب چگونه است و این تمدن واجد چه مختصات و ویژگی‌هایی است که آن را از تمدن اسلامی متمایز می‌سازد؟ مدعای نوشته حاضر این است که صدر، تمدن غرب را به‌عنوان دیگری تمدن اسلامی در نظر گرفته و از این رو با رویکرد انتقادی به برخی از ویژگی‌های تمدن غرب مانند مادی و غیراخلاقی و غیردینی بودن تأکید کرده است. چنین رویکردی البته معطوف به بنیان‌های فکری-فلسفی و دینی-اخلاقی این تمدن است تا ابعاد ظاهری و روبناهای آن. از این رو ایشان در بررسی چیستی تمدن غرب، بر مادی بودن این تمدن تأکید کرده و بر همین اساس به غیراخلاقی و سپس رویکرد غیردینی در این تمدن می‌رسد. نوشته حاضر چنین رویکردی را با روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار داده و به برخی از پیامدهای تمدن غرب اشاراتی خواهد داشت. از نگاه صدر، تمدن غرب یک تمدن رو به اضمحلال است ولی غرب با ابزارهای مختلفی در تلاش است به حیات خود تداوم ببخشد. یکی از این ابزارها تحمیل جنگ‌ها و منازعات در سرتاسر جهان و به‌ویژه منطقه خاورمیانه است که بیشترین منابع انرژی در آن نهفته است و غرب بر آن است سلطه بر این منابع انرژی را همچنان در اختیار داشته باشد.

کلمات کلیدی: تمدن، تمدن غرب، مادیت، اخلاق، دین، سید موسی صدر.

۱. این مقاله بخشی از پژوهشی است که در پژوهشکده علوم اجتماعی و تمدنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تحقیق و نگارش شده است.

* دانشیار گروه فلسفه سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی، قم، ایران.

(نویسنده مسئول).

بیان مسئله

سید موسی صدر، که به‌عنوان رهبر شیعیان لبنان معروف شده، در ۱۴ خرداد ۱۳۰۷ در قم دیده به جهان گشود و پس از گذراندن تحصیلات معمول، وارد حوزه علمیه می‌شود. پدر ایشان سید صدرالدین صدر، در شمار عالمان طراز اول و مراجع ثلاث در حوزه علمیه بوده و سید موسی نیز در خانواده علم و دین پرورش‌یافته است. ایشان در سال ۱۳۳۸ به لبنان هجرت می‌کند و رهبری شیعیان لبنان را که پس از درگذشت علامه محمدحسین شرف‌الدین خالی مانده بود بر عهده می‌گیرد. ایشان پس از نزدیک به بیست سال حضور در این جایگاه در شهریور ۱۳۵۷ و در آخرین سفر منطقه‌ای خود به لیبی سفر می‌کند که در آن سفر توسط معمر قذافی به صورت اجباری ناپدید می‌شود و تاکنون سرنوشت ایشان در ابهام باقی مانده است.

صدر در طی حدود بیست سال حضور در لبنان، سفرهای متعددی به کشورهای مختلف از جمله کشورهای اروپایی انجام داده است. خود وی در گزارشی که از سفر ۵۵ روزه خود به اروپا و غرب جهان اسلام دارد هدف اصلی خود را شناخت تمدن‌های جدید ذکر می‌کند: «می‌خواستم تمدن‌های جدید را بشناسم و از فرصت‌ها و شرایطی که باعث پیشرفت آن دیار شده است آگاه شوم» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۵۴). بنابراین در نگاه صدر غرب و هر اندیشه دیگری را نمی‌توان یکسره به کناری نهاد بلکه با تعامل می‌توان به دادوستد پرداخت و در غنی‌سازی فرهنگ و جامعه خود از ابعاد مثبت تمدن موجود به‌عنوان تمدن دیگری، بهره‌مند شد. پرسش اصلی مقاله حاضر از نحوه مواجهه امام موسی صدر با تمدن غرب است و این‌که عناصر اصلی این تمدن چیست که آن را از تمدن اسلامی متمایز می‌سازد؟ در بررسی مطالب صدر، به‌صراحت ایشان به نقد و ارزیابی تمدن غرب پرداخته است. مجموعه مباحث صدر در این زمینه می‌تواند دیدگاه ایشان را در این زمینه نشان دهد و ما را به تمایزگذاری میان دیدگاه‌های مطرح‌شده و واقعیت تمدن غرب قادر سازد. در مقاله حاضر به‌منظور پاسخ تفصیلی به پرسش مذکور، این مبحث را در چند محور مورد بحث قرار می‌دهیم تا بتوانیم به شاخص‌های اصلی تمدن غرب در نگاه صدر دست یابیم.

پیشینه پژوهش

موضوع مورد بحث مقاله حاضر تاکنون در آرای سید موسی صدر مورد بررسی قرار نگرفته و

از این رو مباحث مقاله و مدعای مطرح شده در این زمینه کاملاً جدید و در چارچوب نظریه تمدنی ایشان قابل خوانش است. گفتنی است مقاله‌ی «علل ضعف تمدنی و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی در اندیشه امام موسی صدر» در شماره سوم، مرداد ۱۳۹۸ منتشر شده است که در این زمینه قابل اشاره است.

روش پژوهش

نگاه صدر به تمدن غرب، نگاهی عمیق و از روی شناخت و با توجه به اندیشه‌های مطرح و واقعیت‌های موجود است. از نظر نگارنده، صدر تنها تمدنی که قابل رقابت با تمدن اسلامی باشد را تمدن غرب می‌داند و برای همین در موارد مختلفی به نقد و ارزیابی این تمدن پرداخته است و به منظور تبیین نگاه خویش نسبت به تمدن اسلامی، به تمایزبخشی تمدن حاضر و غالب غرب نقدهای مهمی دارد. از این رو در مقاله‌ی حاضر با روش تحلیل مضمون به برخی از این نقدها می‌پردازیم که در شناخت تمدن غرب واجد اهمیت بسیاری است.

۱. چارچوب مفهومی پژوهش؛ تمدن غرب

درباره مفهوم تمدن در نزد امام موسی صدر، ایشان به این موضوع اشاره کرده است که در عربی به تمدن حضاره گفته می‌شود که مأخوذ از حضر به معنای استقرار، سکونت و اقامت و در مقابل سفر به معنای جابه‌جایی، انتقال و حرکت است. از این رو صدر بر این نظر است که «تمدن شیوه‌ای از زندگی است که افراد مستقر آن را می‌سازند و یا می‌گزینند» (صدر، ۱۳۸۴، ص ۶۰) و واجد دو عنصر مهم یعنی مدنیت و فرهنگ است. گو این که این استقرار را می‌توان به معنای آرام و قرار و آرامش و امنیت و آسایش و رفاه و به‌طور کلی رفع حوائج و ضروریات و نیازهای اساسی زندگی در یک محیط انسانی استنباط کرد که در عین حال توقف در آن راه ندارد و فاقد رکود و سکون است.

باین حال، نگاه امام موسی صدر به غرب و تمدن غربی، به‌عنوان یک رقیب برای تمدن شرق و تمدن اسلامی است. اما در آغاز و پیش از بیان ویژگی‌های تمدن غرب، باید روشن نمود که این تمدنی که از آن سخن می‌گوییم در کجا واقع شده است؟ مراد صدر از غرب چیست و چه

جغرافیایی را شامل می‌شود؟ آیا مراد اروپا است و یا کشورها و مناطق دیگری را نیز شامل می‌شود؟ محمدعلی مهتدی بر این نظر است که منظور صدر تنها معطوف به نقطه‌ای جغرافیایی است که اروپا خوانده می‌شود. استدلال مطرح شده برای این ادعا این است که «پیش از عقب‌نشینی بریتانیا از شرق سوئز، آمریکا در جهان غرب نقشی نداشت. تمدن فرنگ، یک تمدن اروپایی بود و در واقع اروپا بود که به سوی منطقه غربی و اسلامی حرکت خزنده‌ای آغاز کرد» (مهتدی، ۱۳۸۵، ص ۴۳۶). طبیعی است که فقدان نقش آمریکا در تحولات منطقه خاورمیانه از زمان عقب‌نشینی بریتانیا از شرق سوئز به معنای آن نیست که آمریکا تمدن جدید و دیگری به شمار آید و از اروپا جدا شود. از این رو به نظر می‌رسد عدم دخالت در تحولات و شمولیت تمدن غرب بر آمریکا دو چیز است که باید از همدیگر تفکیک شوند. می‌توان قائل به عدم دخالت آمریکا در تحولات منطقه در زمان مشخصی شد، در عین این که تمدن غرب شامل آمریکا نیز بشود. ضمن این که در آثار و آرای صدر نیز چنین تفکیکی را مشاهده نمی‌کنیم. استنباط نگارنده این است که وقتی امام صدر از غرب سخن می‌گوید مراد و منظورش نگاهی صرفاً معطوف به یک منطقه جغرافیایی نیست بلکه ایشان یک تفکر را دنبال می‌کند که واجد اختصاصاتی است که در اروپا و آمریکا همزمان حضور مسلط و پررنگی دارد که نمی‌توان آنها را جدای از این عناصر اختصاصی شناسایی کرد.

صدر سفرهای متعددی به غرب داشته و با کشورهای مختلف اروپایی آشناست. حتی بنا بر برخی از نقل‌ها، این سفرها و دیدارها در ایشان تأثیراتی هم برجای گذاشته است. از جمله ایشان در این زمینه بر شناخت اروپا تصریح کرده و می‌گوید: «سفر به اروپا در ذهن من تأثیرات مثبت و منفی زیادی برجا نهاد و ای‌کاش این فرصت برای دیگران نیز فراهم شود؛ زیرا اروپا با همه خیر و شر موجود در آن، در واقع تصویر آینده سرزمین‌های ماست و اگر ما به‌عنوان حاملان امانت الهی، غرب را بشناسیم، می‌توانیم برنامه‌ریزی بهتری داشته باشیم و راهکارهای صحیح را برای خود ترسیم کنیم و آنگاه خواهیم توانست در برابر خطرات حرکت خزنده غرب بایستیم» (مهتدی، ۱۳۸۵، ص ۴۳۶). در این نقل اگرچه ایشان از تأثیرات مثبت و منفی به‌مثابه پدیده‌های خیر و شر که دیدار از اروپا در ذهن ایشان برجای گذاشته است سخن می‌گوید اما در نوشتارها و گفتارهایش بیشتر به نقد ابعاد منفی و شر غرب و تمدن غربی پرداخته و از تأثیرات مثبت و به تعبیر خودش «خیر» خبری نیست جز آنجا که از واتیکان و مردم آلمان و وجود بیمه تعریف و تمجید کرده است که نوعی نگاه انسانی به پدیده تمدن غربی است. ضمن این که در همین فقره ایشان غرب را

به‌عنوان آینه آینه جوامع اسلامی ترسیم می‌کند و آینده جوامع اسلامی را تصویر فعلی جوامع کنونی غرب می‌داند. از این رو است که از نظر وی تأمل در غرب و فهم آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این شناخت در واقع به‌منظور دوری از خطراتی است که از سوی غرب نصیب جوامع اسلامی می‌شود و به‌نوعی آینه عبرت جوامع مسلمان و شرقی تلقی می‌شود. بنابراین گرچه ایشان در این فراز به تأثیرات مثبت و منفی غرب بر ذهن خویش تصریح می‌نمایند اما نمی‌توان نگاه منفی ایشان به غرب و تمدن غربی و خطراتی که از جانب آن به سمت جوامع مسلمان سرازیر شده است را به‌وضوح مشاهده نکرد. به نظر می‌رسد از نظر صدر، ترسیم راه صحیح برای خود و جلوگیری از «خطرات حرکت خزنده غرب» جز از معبر غرب‌شناسی و شناخت تمدن غرب ممکن نیست.

یکی از همراهان امام موسی صدر که در سفر به اروپا همراه ایشان بوده در این زمینه نوشته است: «در سفر به اروپا، شناخت و اطلاعات سید (امام صدر) افزایش یافت و مسئولیت او افزون شد. همچنین پس از سفر به اروپا، صلابت امام و توانایی او در حل مشکلات و مسائل نوظهور، افزایش یافت و راه‌کارهایی را به ما عرضه داشت که ضمن ایجاد رضایت در مردم، کرامت و آموزه‌های دینی را حفظ کند و به‌جای برخورد و مقابله با روند تمدن، با آن همگام شود و آن را به‌سوی کسب رضایت خداوند هدایت کند» (مهتدی، ۱۳۸۵، ص ۴۳۷). روشن است که صدر صرفاً به دنبال مقابله با غرب نبوده اما بنا بر آنچه در فقره گذشته از ایشان نقل شد، صدر، شناخت غرب و تمدن غربی را به‌منظور برنامه‌ریزی برای جلوگیری از خطراتی که از جانب این تمدن متوجه جوامع اسلامی است ضروری تلقی می‌کند. البته این مطلب غیر از همراهی و همگام شدن با تمدن غرب است. در واقع همراهی به‌منظور تأثیرگذاری و جهت‌دهی آن مجاز شمرده شده است که نتیجه آن کسب رضایت خداوند است.

از منظری دیگر نیز همین پژوهشگر به تمایز میان دولایه تمدن غرب پرداخته و آن را منتسب به امام موسی صدر کرده است. در این دیدگاه، صدر «میان آن بخش از تمدن غرب که در قالب تکنولوژی، پیشرفت، اندیشه و فرهنگ تجلی می‌یافت، با آنچه در سیاست‌ها و استراتژی‌های مخرب، ویرانگر و وحشیانه غرب شاهد هستیم، تفاوت قائل بود» (مهتدی، ۱۳۸۵، ص ۴۳۴). درست است که باید میان این دو لایه تفکیک قائل شد اما به نظر می‌رسد از نگاه صدر آبشخور همه لایه‌های تمدنی غرب، مادیت، بی‌دینی و بی‌اخلاقی است. بنابراین از این منظر شاید نتوان

میان این دو تمایز قائل شد. در واقع این‌گونه به نظر می‌رسد که صدر، غرب و تمدن غربی را یکپارچه و همسان می‌بیند و تمایز میان بخش‌های مختلف آن را جایز نمی‌داند. اگرچه به تعبیر خودش ابعاد خیر و شر به‌طور همزمان در این تمدن نهفته است اما همان ابعاد مثبت نیز فارغ از این تمدن و اندیشه تجلی‌یافته و پشتیبانی‌کننده‌ی آن نیست.

نگاه انتقادی صدر نسبت به تمدن غرب به معنای تقابل بدون برنامه و غیر خردمندانه با این تمدن نیست. اما به نظر می‌رسد نقد غرب از سوی صدر منطقی و خردمندانه و بر اساس واقعیات آن است. از این‌رو به نظر نمی‌رسد که حرکتی احساسی و عاطفی و فارغ از عقلانیت باشد.^۱ بنابراین اگر در مقابل، گروه‌ها و افرادی بوده‌اند که به تقابل با غرب می‌اندیشیده و علاقه نشان می‌دادند اما در اندیشه و سیره صدر چنین تقابلی دیده نشده و ایشان تا آنجا که نگارنده از آثار ایشان استنباط می‌کند، ضمن این که به لحاظ نظری و فکری به نقد تمدن غرب و تأمل در پیامدهای مخرب آن می‌پردازد همچنین از واقعیات و حقایق نهفته در این تمدن نیز غفلت نمی‌کند و البته آنها را به زیر تیغ نقد می‌کشد و بر نکات مهمی تأکید می‌نماید که در ادامه‌ی نمایی از این دیدگاه را در ترسیم شاخص‌های این تمدن ملاحظه می‌کنید.

۲. شاخص‌های تمدن غرب

۲-۱. تمدن مادی

سید موسی صدر در بحث‌های خویش به‌صراحت تمدن غرب را تمدنی مادی می‌داند که برخی نکات منفی از این بابت دامن این تمدن را گرفته است. برای مثال ایشان در گزارشی که از سفر خود به آفریقا ارائه می‌دهد بر این نکته تصریح می‌کند که تمدن مادی غرب این منطقه را به استعمار کشیده است و این «انسان آفریقایی، که خود نسل‌هاست تلخی استعمار را چشیده و در زیر سلطه فاجعه‌آمیز پدیده نژادپرستی دست‌ساز تمدن مادی غرب زیسته و دروغ‌های آن را لمس

۱. البته نگارنده معتقد نیست که نقد جلال آل احمد از غرب صرفاً یک نقد احساسی و عاطفی و ناخردمندانه بوده است. طبیعی است که این موضوع باید در جای خود تبیین و حق مطلب درباره‌ی نگاه جلال آل احمد به مقوله غرب و نوع غرب‌شناسی او ادا شود.

کرده و تجاوز آن را به حقوق بشر دیده است، با ما همدردی [می] کند» (صدر، ۱۳۸۳، ص ۳۷۴). استعمار با سلطه خود بر انسان و جوامع آفریقایی و بسط نژادپرستی برآمده از تمدن مادی غربی، جنایات بزرگی در حق آنان به عمل آورده است. صدر حتی نژادپرستی رژیم صهیونیستی اسرائیل در منطقه را نیز محصول تمدن غربی می‌انگارد و تصریح می‌کند که «همه ما در منطقه خاورمیانه عربی، اعم از مسلمان و مسیحی، قربانی توطئه پست نژادپرستی صهیونیستی شده‌ایم که تمدن مادی غرب نیز او را در این راه یاری می‌دهد؛ تمدنی که دستاوردها و نتایجش برای پدیدآورندگان آن و دیگران به بدبختی بزرگی تبدیل خواهد شد» (صدر، ۱۳۸۳، ص ۳۷۵).

اگر ویژگی‌های منفی تمدن غرب، یعنی سلطه فاجعه‌آمیز، نژادپرستی، دروغ و تجاوز به حقوق بشر را به‌عنوان ویژگی‌های بارز تمدن غربی در ارتباط با سایر ملل به شمار آوریم این پرسش به میان می‌آید که در مقابل این تمدن چه تمدنی قرار دارد که از ویژگی‌های منفی آن برکنار باشد. صدر به‌صراحت «تمدن شرق» را به‌عنوان بدیل «تمدن غرب» ذکر می‌کند. در نظر صدر، مختصات ایجابی و سلبی تمدن شرق از این قرار است: «تمدنی انسانی و حق مدار و آئینی پایدار، نه روا داشتن ظلم و ستم در حق بشر، استعمار مردم، بهره‌برداری انحصاری از مواهب جهان، تحقیر انسان، تبعیض نژادی و لوٹ کردن حقایق به اسم تمدن و به بهانه حمایت از حقوق بشر» (صدر، ۱۳۸۳، ص ۳۷۵). طبیعی است که موارد سلبی هم مربوط به تمدن غرب است که از سوی وی مورد نقادی قرار گرفته است. او در ادامه تأکید می‌کند که «ما در برابر این پدیده رعب‌آور ایستادیم. ایستادیم تا به جهان ثابت کنیم که یگانه راه ما ادامه مقاومت در این جنگ است و پیروزی حقیقی، بی‌هیچ شک و تردید، از آن ماست» (صدر، ۱۳۸۳، ص ۳۷۵). خوانش تمدن غرب به‌عنوان یک پدیده رعب‌آور به معنای آن است که دستاوردهای این تمدن نیز در همین مسیر رعب‌آور است و چاره‌ای از مقاومت در برابر آن نیست؛ راه‌حلی که صدر در مقابل اسرائیل که از آن به‌عنوان نتیجه و پیامد نژادپرستانه تمدن غرب یاد می‌کند، طرح می‌کند.

صدر در مباحث اقتصادی خود در بحث دین و کارگر به تحلیل و مقایسه‌ی نگاه به کارگر در تمدن اسلامی و شرق و تمدن غرب می‌پردازد و بخشی از واقعیت مادی تمدن غرب را آشکار می‌نماید. گو این که در اینجا نیز گرچه از تمدن شرق و تمدن غرب سخن می‌گوید اما روی سخن ایشان در تمدن شرق همچنان به‌نوعی نگاه آرمانی و تمدن فاقد جغرافیا اشاره دارد که ممکن است

در گذشته در برهه‌هایی تحقق‌یافته است اما نوع مطلوب و آینده تمدن مبتنی بر دین در نگاه او را بازتاب می‌دهد. بر همین اساس ایشان می‌گوید: «در تمدن شرق به کارگران ظلمی نمی‌شد و جامعه را طبقه‌بندی نمی‌کرد. در این جوامع کارگر دشمن کارفرما نبود و کارفرما هم از کارگر سوءاستفاده نمی‌کرد» (صدر، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷). چنانکه اشاره شد، این گفته به لحاظ واقعیت تاریخی قابل مناقشه و گفت‌وگو است و با تاریخ جوامع شرقی و اسلامی نیز آنچنان همخوانی ندارد اگرچه می‌توان به لحاظ نظری در این زمینه با صدر همدلی کرد؛ زیرا به لحاظ نظری در آموزه‌های دینی چنین نگاهی پذیرفتنی و قابل دفاع است. از این رو است که در دفاع از این شیوه هم معتقد است «علت این بود که تمدن بر پایه ایدئولوژی معنوی و اخلاقی بنا شده بود. اندیشه‌های اخلاقی و معنوی روابط میان افراد و گروه‌ها را تنظیم می‌کرد» (صدر، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷).

صدر برای این توضیح این مسأله به ارائه مثالی می‌پردازد و آن این که «در تمدن شرقی ما به کارگر، کارآموز یا شاگرد گفته می‌شد؛ زیرا کارگر نزد کارفرما حرفه و صنعتی می‌آموخت تا این آموزش مقدمه‌ای برای شریک شدن در آن حرفه و یا کار مستقل برای کارگر شود. پس به نوعی شاگرد صاحب کار بود» (صدر، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷). در مقابل اما صدر به نقد آنچه در روابط میان کارگر و کارفرما در تمدن غرب می‌گذرد نیز اشاره می‌کند و بر این نظر است که این مناسبات تهی از ارزش‌های اخلاقی و انسانی است: «هنگامی که تمدن غرب فقط بر ماده بنیان نهاده شد و مانع دخالت متافیزیک در زندگی و جامعه‌مان شد، مادی‌گرایی بی‌هیچ قید و شرطی سبب پافت. از این زمان صاحب کار تنها هدف خود را افزایش ثروت، آن‌هم بدون هیچ شرط و اندازه‌ای دانست» (صدر، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷). همان‌طور که ایشان تصریح می‌کند چنین هدفی به‌منظور تأمین سود بیشتر برای یک طبقه انجام می‌شد؛ زیرا با چنین نگاه و هدفی «بر کارگر فشار می‌آورد و حق او را به شیوه‌های گوناگون غصب می‌کرد تا سود بیشتری ببرد» (صدر، ۱۳۸۶، ص ۱۷۸).

این ویژگی می‌تواند وجه مشترک تمدن شرقی هم باشد البته با فرض این که لایه‌های این تمدن نیز از معنویت و اخلاق تهی شود و بر مادیت و مادی‌گری ابتناء یابد. از این رو است که صدر در جمع‌بندی تحلیل خود از تمدن غرب و شرق می‌نویسد: «این سرنوشت همه ابعاد تمدن مادی غرب و شرق است، بدون استثنا و نه فقط در موضوع کار و کارگر» (صدر، ۱۳۸۶، ص ۱۷۸). در نگاه او سودگرایی مفرط در تمدن غرب که فارغ از فضای متافیزیک است به انفجار کشیده و در

نتیجه آن کارگران شورش کرده و با تجمع و اعتراض حق خود را طلب کرده و بر املاک دیگران سلطه یافته‌اند (صدر، ۱۳۸۶، ص ۱۷۸). بنابراین تمدن شرق هم اگر به وجه معنوی، اخلاقی و انسانی خویش پایبند نباشد و بر آن تکیه نکند همان مشکلات تمدن غربی را به بار می‌آورد.

اما این پرسش جای طرح دارد که راه گریز از «تمدن سرکش مادی»، به تعبیر امام موسی صدر، چیست و چگونه جوامع می‌توانند خود را از این تمدن مادی رها ساخته و یا جهت‌گیری‌های آن را تغییر دهند و یا به سمت یک خلق تمدنی نوین حرکت کنند؟ پاسخ صدر این است که باید به سوی خداوند و ایمان به خداوند بازگردیم: «ما هیچ چاره و راه گریزی نداریم جز این که به سوی خدا بازگردیم و روابط خود را بر اساس ایمان به خدا تعریف کنیم. راهی نداریم جز این که هر یک از ما، مخلصانه، فداکارانه و مؤمنانه از خودش شروع کند. ما باید احساس مسئولیت کنیم و از سستی و تبلی به درآییم» (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۲۵). توجه و بازگشت به خدا و ایمان به خدا و توجه به خود و سعی و تلاش، مهم‌ترین شرط ممکن برای خروج از این وضعیت است. افزون بر آن صدر تأکید می‌کند که «اگر ما خاستگاه حرکت‌های خود را منافع فردی و مادی خود بدانیم، هرگز پیروز نمی‌شویم» (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶).

صدر از منظری دیگر نیز به نقد تمدن مادی‌گرای غرب می‌پردازد. پیش‌بینی صدر این است که این تمدن در حال فروپاشی است اما با جنگ و مسائل حاشیه‌ای تلاش می‌کند و برای استمرار حیات خویش دست‌وپا می‌زند تا خودش را زنده نگه دارد و تداوم سلطه‌ی فاجعه‌بار خودش را همچنان حفظ نماید. درافتادن تمدن غرب با اعراب و تولید جنگ، آن‌هم به بهانه‌های مختلف با چنین توجیهی از سوی ایشان مطرح می‌شود: «آنان می‌خواهند فروپاشی تمدن خود را این‌گونه توجیه کنند. تمدن مادی آنان که بر پایه‌های صرفاً خودخواهانه و مصلحت جویانه استوار است، ناگزیر در دنیا جنگ برپا می‌کند. جنگ و خودپرستی تمایل به سود و منفعت را تشدید می‌کند. برخورد میان منافع و جنگ در همهٔ زمینه‌ها امری دائمی است و این مسأله به فروپاشی تمدن آنان می‌انجامد. ولی آنان می‌خواهند سقوط تمدن خود را توجیه کنند و چنین نشان دهند که این اعراب هستند که با افزایش قیمت نفت، تمدنشان را به خطر انداخته‌اند باینکه می‌دانیم اعراب قیمت نفت را بالا نبرده‌اند بلکه صادرات نفت به دشمنان خود و دوستان اسرائیل را متوقف کرده‌اند» (صدر، ۱۳۹۱، ص ۱۰۱).

درباره این که چه باید کرد، سخن گفته شد اما ایشان این مسأله را به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی مطرح می‌کنند: «ما همگام با تمدن جهان زندگی می‌کنیم، پس، به‌عنوان جزئی از کل یا فرعی از اصل، حکم جهان را داریم و ناخواسته وارد رنج و سختی شده‌ایم که در آن فقط زور و اسلحه حکم می‌راند. در کشاکش این سختی‌ها فقط سیاست، تبلیغات، تکنولوژی و رقابت در زمینه افزایش تولید حرف برای گفتن دارند» (صدر، ۱۳۸۴، ص ۳۰) در این فقره، تمدن غرب بر حاکمیت زور و اسلحه و نیز قدرت سیاست، تبلیغات، تکنولوژی و افزایش تولید بنا شده است که می‌تواند همه‌چیز را به زیر سلطه‌ی خویش درآورد. اما سخن اصلی ایشان این است که غرب از مسیر افزایش تولید و سبک زندگی مصرف‌گرایانه به سلطه‌ی خود تداوم بخشیده و طبیعی است که جوامع مسلمان نیز باید بتوانند به افزایش تولیدات فکری و عملی خویش پردازند تا بتوانند در رقابت و مقاومت با تمدن غربی عقب نمانند. در واقع تحریک و ایجاد انگیزه برای تلاش بیشتر و در نتیجه تولید بیشتر با ابتدای بر نگاه توحیدی و به‌منظور ایجاد قدرت در جوامع مسلمان و ازجمله جامعه لبنان، یکی از هدف‌های اصلی صدر است.

صدر در مباحث خود درباره تمدن البته به برخی از جنبه‌های مثبت این تمدن نیز اشاراتی دارد ازجمله در بحثی که در باب اجتهاد در عالم اسلام دارد به بحث قانون‌گذاری می‌رسد و برخی اشکال سبک زندگی جدید مانند وجود شرکت‌های بیمه و چرایی بیمه از این منظر را مورد توجه قرار می‌دهد. نگاه اجتهادی ایشان در این زمینه این است که «بیمه یکی از افتخارات تمدن جدید است» (صدر، ۱۳۸۴، ص ۲۵۰). صدر بر این نظر است که با بررسی این مسأله می‌توان بر این مطلب تأکید نمود که شرکت‌های بیمه سهم بیمه را طوری تعیین می‌کنند که هرگونه خسارات و زیان را جبران می‌کند. در نتیجه، هم فرد و هم شرکت هر دو سود می‌برند و این نمونه‌ای از همیاری اجتماعی است (صدر، ۱۳۸۴، ص ۲۵۰).

۲-۲. تمدن غیراخلاقی

غیراخلاقی و ضد اخلاقی بودن یک تمدن البته می‌تواند به معنای بی‌اخلاق بودن یک تمدن نباشد بلکه به این معنا باشد که تمدن غرب که تمدنی مادی است اخلاق خودش را که آن‌هم مادی است تولید کرده است و بر مبنای آن با دیگران تعامل داشته و دارد که سودگرایی و لذت طلبی در صدر آن است. بنابراین چنین اخلاقی فضیلت‌مندانه نیست و ازاین‌رو با آنچه مسلمانان آن را

اخلاقی^۱ می‌نامند می‌تواند متفاوت و مختلف باشد. از این رو است که صدر بر این نظر است که تمدن مادی غرب بر پایه‌ی اخلاق^۲ استوار نشده است. ایشان بسیاری از فجایع به بار آمده در عصر جدید را به همین ویژگی مبنایی تمدن غربی بازمی‌گرداند و می‌گوید: «مکتب‌های تمدن جدید، بدون هیچ ضابطه و هماهنگی و هیچ قاعده و اصولی، سربرآوردند و رشد کردند. این جریان به سرکشی جوانب مختلف وجود انسان انجامید. سرمایه‌داری، استثمار، جنگ و آلودگی محیط‌زیست و به‌تازگی نفی کار و تلاش. همه‌ی زوایای تمدن جدید طغیان کرده و می‌کند، بی‌هیچ روش معتدل و هماهنگی؛ زیرا این تمدن بر پایه‌های اخلاق استوار نشده است بلکه تمدنی زمینی است که آسمان برای او ناآشنا است» (صدر، ۱۳۸۴، ص ۴۶). با این نگاه می‌توان دریافت که تمدن مطلوب امام موسی صدر، هم‌نگاهی به آسمان دارد و با آسمان بیگانه و ناآشنا نیست و هم پایی در زمین دارد و تمدنی زمینی به شمار می‌رود که برای انسان در روی زمین برنامه‌ریزی می‌کند و در عین توجه به ماوراء طبیعت به نیازها و ضروریات زندگی دنیوی‌اش سروسامان می‌دهد.

گذشته از موضوع سرمایه‌داری که به‌عنوان قلب تمدن غربی می‌تواند مطرح شود اما موضوعات دیگر مورد اشاره صدر مانند جنگ و محیط‌زیست نیز در طول دو دهه‌ی اخیر به‌خوبی نشان‌دهنده‌ی نحوه‌ی مواجهه‌ی تمدن غربی با این دست موضوعات است. به باور صدر، آنچه تحت نام سرمایه‌داری، استثمار، جنگ و آلودگی محیط‌زیست بر انسان تحمیل شده است نشانه‌ی غیراخلاقی بودن این تمدن است. این ثمره‌ی تمدنی است که با ماورای طبیعت و به تعبیر صریح صدر با آسمان و با خداوند قهر کرده و صرفاً انسان را مبدأ و غایت خویش پنداشته است. ایشان گرفتاری‌های زیادی که چنین تفکری برای دیگر کشورها به بار آورده را نیز از محصولات چنین تمدنی برمی‌شمارد (صدر، ۱۳۸۴، صص ۴۶-۴۷). از این رو شاخص مهمی که صدر برای نقد تمدن غرب بر آن تکیه می‌کند غیر الهی و قطع ارتباط میان زمین و آسمان در این تمدن است. این مطلب یکی از نکات تمایز اصلی تمدن اسلامی و تمدن غربی در نزد صدر است؛ زیرا تمدن غربی بر محور انسان و فردگرایی بنا شده است و از خدامحوری فاصله گرفته است.

افزون بر این، امام موسی صدر گفت‌وگوی مبسوطی درباره‌ی بی‌بندوباری پدیده‌ی عصر ما که

1 . morality

2 . moral

از ثمرات تمدن غرب است، دارد. او در آن گفت‌وگو بخش‌هایی از ابعاد فاسد و غیراخلاقی تمدن غرب را بازگو کرده است: «بی‌بندوباری پدیده این عصر است و ثمره این تمدن. مختص کشوری نیست و اصلاً نمی‌توان آن را ناگهانی دانست. تأثیرپذیری کشورها از این پدیده به تناسب دوری و نزدیکی‌شان به منبع آن و آزادی و مسئولیت‌پذیری و نظام حاکم و سطح زندگی و امثال آن مختلف است. اما مشکل اساسی را در یک کلمه می‌توان بیان کرد و آن این که عصر کنونی عصر بی‌بندوباری است.» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۰۸).

تلقی منفی ایشان نسبت به غرب را در سخن دیگری از ایشان نیز می‌توان آشکارا مشاهده نمود. ایشان در پاسخ پرسش خبرنگاری به صراحت تمام غرب را دروغی بیش نمی‌داند و در واقع به لحاظ اخلاقی غرب را صادق نمی‌داند. خبرنگار می‌گوید: «گفتید که در شرق، ایمان به صدق وجود دارد، اما واقعیت این است که ایمان به صدق در غرب وجود دارد و نه در شرق.» و اما پاسخ صریح صدر به این گفته:

«من مطالعه‌ی موضوعات و وضعیت غرب را در این عصر و زمانه به شما واگذار می‌کنم تا خود شما قضاوت کنید که غرب تا چه اندازه به صدق ایمان دارد. درست است که بازرگان غربی در معامله‌اش با بازرگان دیگر و یا کارمند غربی در تعامل با شهروند غربی دروغ نمی‌گوید، اما غرب به‌تمامی، دروغی بزرگ به جهان است. استعمار و تفرقه و نژادپرستی است. دعوت به دموکراسی و آزادی همه‌اش دروغ است؛ زیرا اسرائیل اکنون خود دروغی بزرگ است، با این که در غرب به ما می‌گویند: «آقا اسرائیل آمده است تا شما را متمدن کند. چرا ناراحتید؟» اسرائیل در خاورمیانه خلق شد تا ما را متمدن کند. این منطق غربی‌ها در برابر اسرائیل کجایش صدق است؟ بله، در غرب صدق و راست‌گویی در مرحله‌ی فردی وجود دارد... نمی‌توانم بگویم که در غرب صدق وجود دارد و همچنین، درست است که بگوییم که در شرق نیز صدق نیست» (ر.ک: صدر، ۱۹۷۰، ج ۲، ص ۶۷).

صدر به نوعی در این سخن کلیت تمدن غرب و به ویژه نتایج و پیامدهای عظیم انسانی آن را برای ملل دیگر به پرسش گرفته و صداقت غرب را به لحاظ اخلاقی و سیاسی زیر سؤال می برد. افزون بر این که بر این نظر است که غرب استعمار و تفرقه و نژادپرستی است و اسرائیل به عنوان نتیجه این تمدن به خوبی گویا است. شرایط امروز خاورمیانه و منازعاتی که محصول مداخله و تأثیرگذاری تمدن غرب است مؤید سخنان چهار دهه پیشین امام صدر است. همچنین استانداردهای دوگانه غربی ها با ملل مسلمان در خاورمیانه و ایجاد جنگ های مختلف و مصائبی که بر سر ملل مسلمان و از جمله مردم و سرزمین فلسطین در خاورمیانه آمده است بخش کوچکی از استانداردهای دوگانه تمدن غرب با ملل مختلف است.

۲-۳. تمدن غیردینی

سید موسی صدر در ادامه بر بُعد غیردینی تمدن معاصر غرب تأکید کرده و آن را نقطه مقابل تمدن دینی اسلامی و شرقی برمی شمارد. از دید صدر، تمدن غرب یک تمدن مسیحی نیست و به نظر وی بنیادهای این تمدن مادی گرا بر ریشه های «یهودیان منحرف» (صدر، ۱۳۸۴، ص ۶۷) استوار شده است که در آن، خدا از جامعه کنار گذاشته شده است و انسان معیار و مبنا می شود. این انسان گرایی و توجه به عقل خودبنیاد و نگاه مادی گرایانه در این تمدن در حالی است که صدر معتقد است ادیان برای خدمت به انسان آمده اند و در خدمت انسان هستند. او از تمدنی سخن می گوید و دفاع می کند که توحید و خدا باوری و ایمان در صدر باورهای انسان حضور دارد و انسان در پرتو ایمان و آموزه های دینی زیست می کند و ایمان دینی بر عمل او تأثیرگذار است و سبک زندگی و رفتارهای او را شکل می دهد. صدر در ارجاع تمدن غرب به یهودیان و نه مسیحیان با مالک بن نبی، که به عنوان «فیلسوف تمدن» و نخستین نظریه پرداز جهان اسلام در عرصه تمدنی (میرزایی، ۱۳۹۹، صص ۵۷۲-۵۷۳) مطرح است اشتراک نظر دارد. بن نبی که زاده کشور الجزایر است و سالها تجربه زیسته در کشور تحت استعمار فرانسه را دارد، در برخی از نوشته هایش بر این نظر است که یهودیت، روح تمدن غرب است و نه مسیحیت (میرزایی، ۱۳۹۹، ص ۵۹۹).

درباره دلایل و چرایی انتساب تمدن غرب به یهودیان صدر سخنی به میان نیاورده است. در جست و جوی دیدگاه ها در این زمینه نظرات متفاوتی وجود دارد. اشاره به دیدگاه محمدعلی فتح

الهی به دلیل نزدیکی به نظر دیدگاه صدر در این زمینه مغتنم است. فتح الهی بر این نظر است که تا پیش از ظهور اسلام دو تمدن روم و ایران در رویارویی و تقابل با یکدیگر هویت می‌یافتند اما این تقابل بعدها به روم مسیحی و ایران کافر و سپس با ادغام ایران در اسلام به روم مسیحی و ایران به‌عنوان جهان اسلام تداوم یافت. بنابراین تقابل با مسلمانان و ایران همان تقابل با کفار به شمار آمد و در واقع جهان مسیحیت خود را مؤمن و اهل دین و معنویت به شمار می‌آورد و جهان اسلام را که اکنون همان ایران جدید اسلامی است، مصداق کفار می‌داند. اما در هر حال به تعبیر فتح الهی مسیحیت بر اثر انحرافات بعدی، در تقابل با یهودیت قرار گرفت و حیات خود را در این تقابل تعریف کرد. این در حالی است که مسیحیت در عصر رنسانس و با ظهور مکتب پروتستانتیسم تعریف جدیدی از جایگاه مسیحیت و یهودیت ارائه داد که باعث شد تقابل این دو مذهب به‌گونه‌ای حل شود اما آنچه دنیای مسیحیت به میراث برد این بود که «یهودیت را وجه سیاسی و اجتماعی مسیحیت قرار داد. غرب مسیحی یهودیت را به نظامی حقوقی تبدیل کرد و از حالت مذهب بودن و religion درآورد و به‌صورت law در مسیر زندگی اجتماعی و سیاسی خود به خدمت گرفت» (فتح الهی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۹). این تغییر تقابل میان مسیحیت و یهودیت و شکل‌گیری یهودیت جدید در دل مسیحیت باعث می‌شد که مسیحیت نتواند بدون این تقابل به حیات و رشد خود تداوم بخشد. از این‌رو عالم اسلام و ایران به‌گونه‌ای یهودیت جدیدی تعریف شد تا غرب بتواند در تقابل با آن به حیات و رشد خود در قالب تمدن جدید ادامه دهد.

به نظر می‌رسد بتوان گفت نگاه‌های جدید با ابتدای برآموزه‌های سیاسی و اجتماعی یهودیت توانست تمدن جدید غرب را بر شانه‌های غرب مسیحی بنا نماید و نگاه تقابلی خود را به جهان اسلام و بنیان‌ها و آموزه‌های اسلام بیش از گذشته تثبیت نماید. در کنار این البته دیدگاه‌هایی نیز از تمدن شرقی غرب سخن به میان آورده‌اند و بر این نظرند که ریشه‌های تمدن غرب در تمدن شرق است و نباید سهم تمدن شرق در خلق تمدن غرب را نادیده انگاشت.^۱

با همه این‌ها، نقدهای سید موسی صدر بر تمدن غرب با این پرسش استمرار می‌یابد که آیا

۱. این بحث موضوع تحقیق هابسون است که در کتاب ریشه‌های شرقی تمدن غرب به تفصیل منعکس شده است. جان ام. هابسون، ریشه‌های شرقی تمدن، ترجمه عبدالله فرهی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۳.

تمدن جدید غرب توانسته است سعادت را برای همه‌ی انسان‌ها محقق کند؟ گذشته از این، آیا حتی تمدن غرب در پاره‌ای از زمینه‌ها سعادت انسان را تأمین کرده است؟ و آیا با پیشرفت تمدن غرب در عرصه مادی، انسانیت هم پیش رفته و رشد یافته یا این که انسانیت پژمرده شده است؟ (صدر، ۱۳۸۴، ص ۶۸). این‌ها دغدغه‌ها و پرسش‌های اساسی صدر نسبت به تمدن غرب است که پاسخ به آنها می‌تواند ابعاد و اضلاع تمدن غرب را به ما بازشناسد و در بازشناسی این تمدن و پیریزی تمدن نوین اسلامی کمک شایانی بنماید.

صدر در پاسخ بر این نظر است که با توجه به محدود بودن هدف و ماده در عالم از یک‌سوی و جاه‌طلبی انسان از سوی دیگر، برتری‌جویی و کشمکش و نزاع در جوامع پدید می‌آید و «این ستیزگاه به یک صلح موقت میان افراد یک طبقه یا ملت در جهت بهره‌کشی از دیگر گروه‌ها و طبقات می‌انجامد» (صدر، ۱۳۸۴، ص ۶۹). از این‌رو از نظر وی، با توجه به محدودیت پیش‌گفته و طغیانگری انسان، «تاریخ تمدن جدید در تلاش دائم نظری و عملی برای بهره‌کشی، دست‌یابی به بازارهای جدید، استعمار، جنگ‌های منطقه‌ای، قاره‌ای و نژادی، خلاصه می‌شود: آمادگی برای جنگ و مسابقه تسلیحاتی، مقتضای تحمیل اراده و ظلم و خون‌ریزی است» (صدر، ۱۳۸۴، ص ۶۹). از این‌رو مطابق دیدگاه مذکور، اساس تمدن مادی غرب، به دلایل گفته‌شده، غیردینی است؛ زیرا بر ظلم و استعمار و بهره‌کشی از دیگر ملل استوار شده است. در نتیجه صدر بر اساس دیدگاه اسلامی، انسانی و اخلاقی خویش، و به‌رغم وجود برخی ویژگی‌های مثبت فردی اما به‌طور کلی منتقد و مخالف چنین تمدنی است.

با همه این‌ها، امام موسی صدر از خاستگاه فلسفی تمدن غرب غفلت نکرده است و اساساً ریشه تمدن مادی غرب را به نظریه‌های فلسفی غربی بازمی‌گرداند که در آن فیلسوفانی مانند هگل به‌منظور تحلیل مناقشات و تضاد طبقاتی به ارائه نظریه پرداختند و اساساً مناقشات موجود در زمینه طبقاتی هم‌زمان با نظریه‌های فلسفی رونق می‌گیرد. سخن صدر این است:

«بر اساس نظریه‌ای فلسفی، این مناقشات زمانی پدید آمد که پس از قرون وسطا تمدن جدید غرب پایه‌گذاری شد، یعنی زمانی که هگل و دیگران مبانی تمدن غرب را بر اساس مفاهیم و اصول مادی بنیان نهادند. گفتند:

متافیزیک و ماوراءالطبیعه را کنار بگذاریم و تمدن خود را بر مبنای مادی بنا کنیم. ماوراءالطبیعه را نادیده گرفتند، انکار نکردند. انکار، کفر و الحاد است و نادیده گرفتن و بی‌توجهی کردن هم نوع دیگری از الحاد است. نوعی کفر و الحاد گمراه‌کننده، در پوششی که غرب آن را به کار گرفت. بدین ترتیب، تمدن بر اساس مفاهیم مادی و با نادیده گرفتن ارزش‌ها و ماوراءالطبیعه شکل گرفت. نتیجه آنچه بود؟ تضاد و نزاع میان بزرگ‌ترها و کوچک‌ترها و در ادامه، میان خود کوچک‌ترها و حتی میان انسان و برادرش» (صدر، ۱۳۹۸، صص ۴۱۸-۴۱۹).

بنابراین تمدن مادی غربی به منازعات لاینحلی دامن زده است و این منازعه به تعبیر صدر ریشه در تحلیل تضاد طبقاتی دارد که بر مبنای رویکرد فلسفی در غرب نیز مورد تحلیل قرار گرفته و استوار شده است. این در حالی است که صدر معتقد است با نگاه دیگری نیز می‌توان این تضاد را مورد تحلیل قرار داد که موجب همبستگی بیشتر اجتماعی بشود. از نظر صدر «جهان سراسر نزاع و تضاد است، نه فقط میان اقشار و طبقات؛ همه جهان تبدیل به چندین شرکت پراکنده می‌شود. درست است که نزاع و تضاد وجود دارد، اما اگر جامعه و تمدن و انسان را بر مبنای ایدئولوژی و ارزش‌ها بنا کنیم، آنگاه تضاد و نزاع به رقابتی سازنده تبدیل می‌شود که بی‌اشکال و مشروع است» (صدر، ۱۳۸۴، ص ۴۱۹). جورج خضر این نگاه صدر را که به‌زعم وی به جهانی بودن اندیشه صدر بازمی‌گرداند به اصل وحدت در کثرت و کثرت در وحدت بازمی‌گرداند. در نظر خضر، علاقه امام به یک موضوع، هیچ‌گاه باعث نشد که دیگری را دشمن بدارد بلکه او همیشه در پی چاره بود و امید داشت که هر یک از طرفین خود را بازیابد. صدر «هیچ‌گاه تش و چالش به وجود نمی‌آورد. زمانی هم که مواضع عملی و اجرایی را در قالب تئوری و نظریه بیان می‌کرد، بر اصل «کثرت در عین وحدت و وحدت در عین کثرت» تأکید داشت» (خضر، ۱۳۸۵، ص ۱۸۷).

صدر موضوع منازعه و تضاد را در مباحث تفسیر قرآن نیز تداوم می‌بخشد و بر این نظر است که منازعه به‌ویژه در مسأله حکومت به‌طور دائمی اتفاق می‌افتد. درواقع هرگاه خواسته‌های

نامحدود با امکانات محدود گره بخورد، منازعه و تضاد دائمی را پیش می‌کشد. صدر چنین منازعه‌ای از سوی بشر را همیشگی می‌داند و آن را از طفولیت بر سر اسباب‌بازی، پس از طفولیت بر سر ریاست خانه، آنگاه قلدری در محل، سپس تملک بر سرزمین‌های روستا، آنگاه جلب مشتری‌های بازار و در مرحله‌ی بعد نمایندگی و ریاست و حکومت در اجتماع استمرار می‌بخشد. به‌نوعی این منازعات در نظر صدر طبیعی می‌نماید و ایشان این مسأله را با بلندپروازی و آزمندی انسان و امکانات محدود انسان همراه می‌بیند. البته بحث و منازعه تاریخی خیر و شر و حق و باطل را نیز به وضعیت مذکور باید افزود. طبیعی است که ایشان برای حل این منازعات دائمی به نقش دین در برابر نزاع و خواسته‌های آدمی اشاره می‌کند. از نظر ایشان دین نمی‌خواهد خواسته‌های انسان را سرکوب کند و مانعی بر سر این خواسته‌ها ایجاد کند. دین با توسعه امکانات آدمی به حل مشکل تضاد می‌پردازد: «دین می‌خواهد آنچه خواسته‌های آدمی را ارضا می‌کند، دگرگون سازد و امکانات برآورده کردن خواسته‌ها را فزونی بخشد» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۰، صص ۳۶۹-۳۷۰).

۳. پیامدهای تمدن غرب

تبعیض نژادی: از جمله پیامدهای مهم تمدن غرب «تبعیض نژادی، تفاوت میان انسان‌ها، به یوغ کشیدن ملت‌ها و به اصطلاح متمدن ساختن آنها، همچنین تحقیر ملت‌ها و تحمیل تمدن جدید به آنها» (خضر، ۱۳۸۵، ص ۶۹) است. این ویژگی به‌وضوح امروزه بیشتر قابل مشاهده است. به‌ویژه فجایع مصیبت‌باری که اکنون در خاورمیانه در حال رخ دادن است بیش از آنکه محصول باورهای مذهبی و رقابت‌های سیاسی منطقه‌ای باشد، محصول تلاش قدرت‌های جهانی برای حضور در منطقه خاورمیانه و دمیدن در آتش فرقه‌گرایی و قوم‌گرایی به‌منظور بهره‌برداری از منافع مادی و سود سرشاری است که به‌واسطه نفوذ و حضور آنان در خاورمیانه عایدشان می‌شود. ضمن این که ارزش‌های رایج مطرح شده به‌ویژه در زمینه‌ی حقوق بشر و دموکراسی‌خواهی نیز بیش از آنکه در راستای آرامش بخشی استوار باشد با توجه به معیارهای دوگانه به نزاع بیشتری دامن می‌زند و حاشیه امنی برای رژیم‌هایی مانند اسرائیل دست‌وپا کرده است که به تعبیر امام موسی صدر «اسرائیل، شر مطلق» (صدر، ۱۳۹۱، ص ۱۳۵) است.

پیدایش اسرائیل: یک نمونه از پیامدهای آشکار تمدن غرب پیدایش رژیم اسرائیل است. صدر این رژیم را زاده تمدن غرب دانسته و می‌گوید: «اسرائیل زاده تمدن سرکش مادی و نتیجه حتمی مبانی تمدن غربی و طغیان خودخواهانه بشری است که در پایان قرون وسطا بر پایه انکار خدا و ارزش‌ها بنا گذاشته شد و این، طغیان در ستمگری بود تا بدانجا که آسایش وجدان دروغین او با دست یازیدن بر دیگر ملت‌ها حاصل می‌شد. رژیم اسرائیل نماد کامل این تمدن از نظر انحصارطلبی و بهره‌کشی و تفرقه‌افکنی نژادپرستانه و تعصب‌های دینی و ستمگری و اشغالگری و سنگدلی است.»^۱ بنابراین ماحصل تمدن غربی، رژیم اسرائیل است که به تعبیر ایشان شرّ مطلق و باطل مطلق است.^۲ صدر در نقل مذکور به ویژگی‌های «تمدن سرکش مادی» غرب پرداخته و هم به «نتیجه حتمی مبانی تمدن غربی» اشاره می‌کند که «نماد کامل» آن در رژیم اسرائیل جلوه‌گر شده است. افزون بر این که توجه امام موسی صدر در اشاره به مبانی تمدن غربی سطح بحث را به مباحث فلسفی ارتقاء داده است. از نظر ایشان، ذات تمدن غربی بر اساس مبانی فکری و فلسفی آن تمنای رژیم‌هایی مانند اسرائیل است که با انحصارطلبی و بهره‌کشی و تفرقه‌افکنی نژادپرستانه و تعصب‌های دینی و ستمگری و اشغالگری و سنگدلی به حیات تمدن غرب تداوم می‌بخشد.

ظهور دیکتاتوری: یکی دیگر از پیامدهای تمدن غرب که با هراس و احتیاط دیگران و دفاع از خود در برابر سلطه‌جویی غربی‌ها استوار است، ظهور دیکتاتورهای رنگارنگ «فردی، گروهی، نظامی، اقتصادی و سیاسی» (صدر، ۱۳۸۴، ص ۷۰) است. این مسأله همچنین موجبات پیدایش و تحکیم حکومت‌های غیر مردمی و غیر دموکراتیک در جهان را هموار می‌سازد. نمونه‌هایی از چنین نگرشی را می‌توان در حمایت از حکومت‌های استبدادی موروثی، سلطنتی و غیر مردمی منطقه خاورمیانه و به‌ویژه در کشورهای عربی شاهد بود. حمایت کامل از رژیم پهلوی در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نمونه‌ای از همین پیامد تلقی می‌شود. این تمدن به‌منظور کسب منافع مادی خود طرفدار دیکتاتورهای رنگارنگ فردی، گروهی، نظامی، اقتصادی و سیاسی است.

تعیین حدود و قلمرو تفکر: یکی دیگر از پیامدهای مهم و به تعبیر صدر، «بسیار نگران‌کننده

۱. پیام امام موسی صدر به دوره ششم مجلس ملی فلسطین که در ۱۹۶۹ میلادی در قاهره برگزار شد. به نقل از

سایت مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر با عنوان «اسرائیل باطل مطلق است».

۲. پیام امام موسی صدر به دوره ششم مجلس ملی فلسطین.

تمدن غرب»، تعیین حدود و قلمرو تفکر از سوی سران این تمدن است: «سران ملت‌ها تنها برای امور سیاسی برنامه‌ریزی نمی‌کنند بلکه برای فکر نیز طرح می‌ریزند و تعیین می‌کنند که چگونه باید اندیشید؛ همچنین برای علم که چگونه باید آموخت و برای هنر که چگونه باید ارائه کرد و چگونه باید به کار بست؛ نیز برای ادبیات، تشکل‌های مدنی، تاریخ، فرهنگ و جز آن» (صدر، ۱۳۸۴، ص ۷۰). بنابراین عرصه فرهنگی دیگر ملل، مورد هجوم تفکر و فرهنگ مادی تمدن غرب واقع شده و تلاش می‌شود ارزش‌های خاص جامعه غربی به آنان تحمیل و فرهنگ ملل تهاجم شده حقیق و کم‌ارزش معرفی شود. این تحمیل، همه‌ی زوایای حیات سیاسی و اجتماعی جامعه هدف را شامل شده و بر اساس آن «همه نیروهای انسانی در جهت بهره‌کشی مسخر می‌شود» (صدر، ۱۳۸۴، ص ۷۰). باین وجود، صدر بر این نظر است که امروزه جامعه اسلامی نیز تسلیم تمدن غربی شده و تن به پیروی از چنین تمدنی داده است. از این رو تأکید می‌کند که جوامع اسلامی دچار استعمار فکری شده‌اند و «تا آنجا پیش رفته‌ایم که در شکل ظاهری، معیار خیر و شر، سود و زیان، درست و نادرست و عقب‌ماندگی، موازین، پیمان‌ها و پارچه‌ها از غرب تبعیت می‌کنیم» (صدر، ۱۳۸۴، ص ۶۷).

سرگشتگی و بی‌هدفی: درنهایت سید موسی صدر به بررسی وضعیت هنر و ادبیات در تمدن غرب می‌پردازد و بر این نظر است که در این تمدن در پدیده‌ای مانند ادبیات هم نوعی سردرگمی و بی‌هدفی ملاحظه می‌شود. کتاب‌های زیادی هستند که انسان جز سرگشتگی در آنها نمی‌یابد. چنین وضعیتی در زمینه‌های هنری مانند نقاشی و عکاسی نیز وجود دارد. صدر این پرسش را مطرح می‌کند که «هدف از هنر چیست؟ نتیجه این تلاش بشری که از انسان برآمده است و باید او را به انسانیت خویش بازگرداند چیست؟» (صدر، ۱۳۸۴، صص ۷۲-۷۳).

نتیجه‌گیری

از بحث‌های مختصر انجام‌گرفته روشن شد که امام موسی صدر در باب تمدن غرب بحث‌های جدی و عمیقی دارد. آنچه در میان این مباحث برجستگی دارد، رویکرد انتقادی ایشان به تمدن غرب است. این نگاه انتقادی نیز بیشتر معطوف به بنیان‌های فکری - فلسفی و دینی - اخلاقی است تا ظواهر و روبناهای چنین تمدنی. از این رو ایشان در بررسی تمدن غرب به بحث مادی بودن این تمدن پرداخته است و بر همین اساس به نگاه غیراخلاقی و سپس رویکرد غیردینی در این

تمدن می‌رسد. از دید ایشان این شاخص‌های تمدنی در موضوعاتی مانند استعمار ملل دیگر و فجایعی که بر سر دیگر ملل آمده است با وضوح بیشتری تداعی می‌شود. از این رو پیامدهای تمدن غرب از نظر صدر چنان عظیم است که ملل مسلمان نباید لحظه‌ای از این پیامدها غفلت نمایند. نمونه پیامدهای تمدن غرب را در استقرار و سیطره رژیم صهیونیستی در قلب خاورمیانه می‌توان مشاهده کرد. تبعیض نژادی، سرگشتگی و بی‌هدفی، ظهور دیکتاتورهای رنگارنگ در منطقه، تعیین حدود و قلمرو تفکر و پیدایش اسرائیل، به‌عنوان محصول و نتیجه تمدن غرب، تنها بخشی از پیامدهای تمدن غرب است که موجب ابتلای بسیاری از کشورها شده است. از این رو است که اسرائیل، شرّ مطلق و باطل مطلق می‌شود. صدر تأکید می‌کند که به سبب اینکه جهان اسلام مجدداً راه‌رفته غرب را تکرار نکند و از آسیب‌های آن درس بگیرد باید به شناخت این تمدن پردازد. با این وصف از نگاه صدر، تمدن غرب با توجه به نگاه فکری فلسفی ایشان به این تمدن، یک تمدن رو به اضمحلال است ولی غرب با ابزارهای مختلفی در تلاش است به حیات خودش تداوم بخشد. یکی از این ابزارها، تحمیل جنگ‌ها و منازعات در سرتاسر جهان و به‌ویژه منطقه خاورمیانه است که بیشترین منابع انرژی در آن نهفته است و غرب بر آن است سلطه بر این منابع انرژی را همچنان در اختیار داشته باشد. شاید بتوان گفت از دید سید موسی صدر از فلسفه سیاسی غرب با همه تنوعات آن جز این انتظار نیست که با خشونت‌گریبان به کشتار و نسل‌کشی پردازد و با حمایت رسانه‌ای چنین خشونت‌هایی را موجه سازی کند. در واقع کاشت اسرائیل در منطقه و حمایت از آن توسط جهان غرب به‌عنوان ماحصل تمدن غرب و مدافع اصلی منافع غرب در منطقه غرب آسیا در ضمن و ذیل فلسفه سیاسی تمدن غرب قابل توجیه است. بنابراین، حمایت از این رژیم به‌نوعی حمایت از اصل تمدن غرب است که تمدنی با ویژگی‌های سه‌گانه ذکر شده در بخش شاخص‌های تمدن غرب است. در واقع اسرائیل، آینه تمام‌نمای تمدن غرب است و چهره متظاهر غرب را به‌خوبی نشان می‌دهد.

سیاس‌گذاری

مقاله حاضر، مقاله منتخب کمیسیون تمدن نوین اسلامی هفتمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی می‌باشد. کمیسیون تمدن نوین اسلامی به میزبانی دانشگاه شاهد در آذرماه ۱۴۰۲ برگزار شد. مراتب تشکر خود را از مجموعه عوامل برگزاری کنگره مذکور اعلام می‌نمایم.

منابع

- خضر، جورج، «ابعاد جهانی فرهنگ و اندیشه امام موسی صدر»، در اندیشه ربوده شده: گفتارهایی درباره امام موسی صدر، به کوشش مهدی فرخیان، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۸۵.
- صدر، سید موسی، *ادیان در خدمت انسان*، ترجمه سید عطاالله افتخاری، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۸۴.
- صدر، سید موسی، *انسان آسمان*، ترجمه احمد ناظم، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۹۴.
- صدر، سید موسی، *برای انسان*، ترجمه احمد ناظم، مهدی فرخیان، مهدی سرحدی، موسی اسوار، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۹۸.
- صدر، سید موسی، *برای زندگی*، ترجمه مهدی فرخیان، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۹۱.
- صدر، سید موسی، *رهیافت‌های اقتصادی*، به اهتمام و ترجمه مهدی فرخیان، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۸۶.
- صدر، سید موسی، *سفر شهادت*، ترجمه مهدی فرخیان و احمد ناظم، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۹۱.
- صدر، سید موسی، *گام به گام با امام*، ج ۱، ج ۲، ج ۱۰، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۹۶.
- صدر، سید موسی، *مسیرة الامام السید موسی الصدر*، تهیه و تنظیم حركة أمل، جلد ۲، بیروت، دار بلال، ۱۴۲۰هـ. / ۱۹۹۹م.

- صدر، سید موسی، *نای و نبی*، ترجمه علی حجتی کرمانی، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۸۳.
- فتح الهی، محمدعلی، *تخیل سیاسی در زیست جهان ایرانی اسلامی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.
- لک‌زایی، شریف، *درآمدی بر اندیشه سیاسی امام موسی صدر*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۹.
- لک‌زایی، شریف (۱۳۹۸)، «علل ضعف تمدنی و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی در اندیشه امام موسی صدر»، *فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۲، شماره ۱ (پیاپی ۳)، مرداد، صص ۳۱۱-۳۲۸.
- مهتدی، محمدعلی، *غرب از نگاه امام موسی صدر*، اندیشه ربوده‌شده، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۸۵.
- میرزایی، محمدعلی، «بررسی کلی مفاهیم پایه تمدن اسلامی در اندیشه مالک بن نبی»، در *جستارهای نظری در اسلام تمدنی*، به کوشش حبیب‌الله بابایی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۹.
- نجفی، موسی (۱۳۹۹)، «نظریه تمدن نوین اسلامی از رویکرد فلسفی - نظری تا رویکرد تاریخی - نظری» *فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۳، شماره ۲ (پیاپی ۶)، صص ۱-۴۰.
- هابسون، جان ام.، *ریشه‌های شرقی تمدن*، ترجمه عبدالله فرهی، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۳.

وبسایت

- مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر: <https://imamsadr.ir/>

References

- Khizer, George, "*The Global Dimensions of Imam Musa Sadr's Culture and Thought*", in *Kidnapped Thought: Speeches about Imam Musa Sadr*, by Mehdi Farrokhian, Tehran, Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, 2015. [in Persian].
- Sadr, Seyyed Musa, *Religions in the service of human beings*, translated by Seyyed Attaullah Iftikhari, Tehran, Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, 2014. [in Persian].
- Sadr, Seyyed Musa, *Man of the Sky*, translated by Ahmad Nazeim, Tehran, Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, 2014. [in Persian].
- Sadr, Seyyed Musa, *For Man*, translated by Ahmad Nazeim, Mehdi Farrokhian, Mehdi Sarhadhi, Musa Aswar, Tehran, Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, 2018. [in Persian].
- Sadr, Seyyed Musa, *For Life*, translated by Mehdi Farrokhian, Tehran, Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, 2011. [in Persian].
- Sadr, Seyyed Musa, *Economic Approaches*, translated by Mehdi Farrokhian, Tehran, Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, 2016. [in Persian].
- Sadr, Seyyed Musa, *Martyrdom Journey*, translated by Mehdi Farrokhian and Ahmad Nazeim, Tehran, Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, 2011. [in Persian].
- Sadr, Seyyed Musa, *Step by step with Imam*, vol.1, vol.2, vol.10, Tehran, Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, 2016. [in Persian].
- Sadr, Seyyed Musa, *Masirah al-Imam al-Sayyid Musa al-Sadr*, preparation and arrangement of Harakah Amal, volume 2, Beirut, Dar Bilal, 1420/1999. [in Persian].
- Sadr, Seyyed Musa, *Nye and Nye*, translated by Ali Hojjati Kermani, Tehran, Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, 2013. [in Persian].
- Fath Elahi, Mohammad Ali, *Political Imagination in the Life of Iranian Islamic World*, Tehran, *Research Institute of Human Sciences and Cultural Studies*, 2019. [in Persian].

- Lakzaei, Sharif, An introduction to the political thought of Imam Musa Sadr, Qom, *Research Institute of Islamic Sciences and Culture*, second edition, 2019. [in Persian].
- Lakzaei, Sharif (2018), "Causes of civilizational weakness and backwardness of Islamic societies in the thought of Imam Musa Sadr", *Quarterly Journal of Basic Studies of Modern Islamic Civilization*, Volume 2, Number 1 (3 consecutive), August, pp. 311-328. [in Persian].
- Mohtadi, Mohammad Ali, *the West from the perspective of Imam Musa Sadr*, stolen thought, Tehran, Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, 1385. [in Persian].
- Mirzaei, Muhammad Ali, "A general survey of the basic concepts of Islamic civilization in the thought of Malik bin Nabi", in theoretical essays in civilizational Islam, by Habibullah Babaei, Qom, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, 2019. [in Persian].
- Najafi, Musa (2019), "The Theory of Modern Islamic Civilization from a Philosophical-Theoretical Approach to a Historical-Theoretical Approach" *Quarterly Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, Volume 3, Number 2 (6 consecutive), Autumn and Winter, pp. 1-40. [in Persian].
- Hobson, John M., *The Eastern Roots of Civilization*, translated by Abdullah Farahi, Tehran, Research Institute of Cultural and Social Studies, 2014. [in Persian].

Website

- Imam Musa Sadr Cultural Research Institute: <https://imamsadr.ir/>